



دوماهنامه حقوقی ماف

سال سوم، اسفند ۹۹، ۲۵۰۰۰ تومان

با آثار و گفتاری از:

دکتر نعمت احمدی • سعید ارکان زاده یزدی • مینا شهینی
ولی الله خلیلی • کوردستان شاهمرادی • فرهاد امین پور
فرهاد هادی • کاوان محمدپور • سمیرا حسینی • مجتبی گهستونی
شلیر اکبری • سمیرا زارعی • پریسا اسدی • علی قلی زاده
زهرا اکرمی • یگانه کربلایی • امیرحسین احمدی

توسعه ایران بدون رونق روزنامه‌نگاری محلی

ممکن نیست گفتگو با دکتر هادی خانیکی

تزییق بودجه‌های جهشی دولت، کردستان را در مسیر

توسعه قرار داده است مهندس بهمن مرادپناه استاندار کردستان

نوسازی؛ تئوری یا ایدئولوژی؛ گفتگو با دکتر اسماعیل احمدی

اقوام ایرانی برای شناخت یکدیگر نیازی به ترجمان ندارند

گفتگو با دکتر بهروز پسین آرا

گرینگی زمانی دایکی و پرسی پدروورده به زمانی دایکی
موجه‌مهد حدقمورادی، نوید وهرزنده، حدسن غدریبی
قواد ساعتی، جهان‌نهد احمدی، عباد رژی

تسخیر جهان با دست خالی و ساز

گفتگو با استاد بیژن کامکار

درفه‌تیک بو دامه‌زاندنی مووزوی میلی موسیقای کوردستان

و توویژ لگال ماموستا ردهمت تأینی

تبت جهانی و الگوهای بومی / علی رنگچیان





شماره هفتم / تیرماه ۱۳۹۹

- «ماف» در زبان کُردی به معنای حقوق است.
- مطالب نشریه لزوماً نظر گردانندگان نمی‌باشد.
- «ماف» در ویرایش مطالب آزاد است.

عکس جلد: پلاک شهر خلاق سنندج



دوماهنامه حقوقی ماف

کُردی - فارسی

سال سوم، شماره هشتم، اسفند ۹۹

۲۵۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: جبار طهماسبی

زیر نظر شورای نویسندگان

همکاران این شماره:

سید زبیر نعمتی / نشمین طهماسبی

امیرحسین احمدی / علی قلی زاد

یگانه کربلایی / زهرا اکرمی

کاریکاتور: چیا فتیحی

عکاس: رضوان طهماسبی

گرافیک و صفحه‌آرایی:

سید زبیر نعمتی

چاپ: فرهنگ سنندج

گستره توزیع:

استان‌های کردستان، آذربایجان غربی،

کرمانشاه و ایلام

آدرس:

سنندج، میدان آزادی، کوچه عدالت، ساختمان

زند، واحد ۱۰، همراه: ۰۹۳۹۳۳۱۰۰۹۶

سرمقاله

۴ | بر مدار حق یا مدارا |

درآمدی بر مبنای وظیفه دولت در تضمینات حقوق

فرهنگی | جبار طهماسبی

روزنامه نگاری محلی

۶



فصل اول

۲۲ | توسعه روزنامه نگاری سراسری در

گرو قدرت گیری روزنامه نگاری محلی |

ولی الله خلیلی

۲۴ | حریف تازه نفس در میدان کهنه کارها

می تازاند | علی قلی زاده گردرودباری

۲۸ | رسانه های کوردی و رسالت آن ها |

فرهاد هادی

۳۲ | صدای در گلوی مانده روزنامه نگاران

محلی | مینا شهنی

۷ | نشریات محلی راه نجات اند |

سعید ارکان زاده یزدی

۱۱ | میراث داران از نفس افتاده |

خدایار بیرانوند | گزارش

۱۸ | حیات روزنامه نگاری کوردی در گرو

توسعه سیاسی | کوردستان شاهمرادی

۲۰ | پنهان در پشت خاکریز خبر |

مجتبی گهستونی

توسعه ایران بدون رونق روزنامه نگاری محلی ممکن

نیست | ۳۴ | دکتر هادی خانیکی | استاد ارتباطات

گفتگو

ما را در صفحات اجتماعی دنبال کنید

 maafjournal

 mafjournal

 journalmaaf

۴۰ فصل دوم: زنان



۴۱ | روایت زنان نایسر از زندگی روزمره‌شان؛

آفریننده در غبار حاشیه | زهرا اکرمی | گزارش

۴۹ | کاتیک ده‌تیین «کتیب‌خویندنه‌وه» مه‌به‌ستمان چیهه؟ | شلیز

ئه‌کبه‌ری

۵۰ | زنان کردستان از مسیر ناهموار رسیدن به دانشگاه می‌گویند؛

عبور از پل‌های شکسته | یگانه کربلایی | گزارش

خودتان را باور کنید | ۱۵۴ | پریسا اسدی | رتبه

دوم آزمون وکالت سال ۹۸ کردستان

۵۷ | زیست به باد رفته زنان در نایسر | سمیرا زارعی

۷۱ فصل چهارم: زبان مادری

۷۲ | فارسی تنها زبان ایران نیست |

امیرحسین احمدی | گزارش

۷۷ | حق آموزش زبان مادری ساده‌ترین

حق اقوام ایران است | نعمت احمدی

۷۹ | گرینگی زمانی دایکی و پرسی په‌روه‌ده به

زمانی دایکی | کوینستان منبه‌ری | وتووژ

گفتگو
اقوام ایرانی برای شناخت

یکدیگر نیازی به ترجمان

ندارند | ۱۱۰۴ | بهروز چمن‌آرا |

عضو هیات علمی دانشگاه کردستان

۳۳ فصل پنجم: شهر خلاق

۱۲۴ | ثبت جهانی و الگوهای بومی | علی

رنگچیان

گفتگو
تسخیر جهان با دست خالی و

ساز | ۱۱۲۸ | بیژن کامکار | استاد

موسیقی

گفتگو
دوره‌فیک بؤ دامه‌زراندنی مووزی

میلی موسیقای کوردستان | ۱۱۳۶ |

رحمته‌تاییینی



۳۳ فصل ششم: ته‌نز

۱۴۳ | دایه نه‌وات

۳۴ فصل هفتم: کتاب

۱۴۴ | تفسیر شرط داوری |

حق بارداری و زایمان ایمن |

۶۰ توسعه فرهنگی فصل سوم



۶۱ | بهمن مرادنیاساندار کردستان:

توزیق بودجه‌های جهشی دولت،

کردستان را در مسیر توسعه قرار

داده است | گزارش

نوسازی؛ تئوری یا ایدئولوژی | ۱۶۳ | اسماعیل احمدی |

دانش آموخته‌ی علوم سیاسی و مدرس دانشگاه

گفتگو

شهر خلاق

۱۲۴ | ثبت جهانی و الگوهای بومی | علی رنگچیان

تسخیر جهان با دست خالی و ساز | ۱۲۲۸ | بیژن کامکار

| استاد موسیقی

گفتگو

دوره تیک بؤ دامه زانندی موزهی میلی موسیقای کوردستان

| ۱۱۳۶ | ره‌حمهت ئایینی

گفتگو





علی زنگچیان / عضو هیات علمی گروه مرمت و احیاء بناهای تاریخی دانشگاه سمنان

به بهانه ثبت سندج به عنوان شهر خلاق موسیقی در جهان؛

ثبت جهانی و الگوهای بومی

شاید یکی از دلایل عدم پیشرفت کشور ما در حوزه‌های مختلف از جمله در ساماندهی و زیست پذیری مطلوب شهرها تقلید کورکورانه و عدم شناخت ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بومی هر منطقه و محله است.

البته این اتفاق محصول دوره معاصر است و پیش از این ما در شهرها و مناطق سکونتی سرزمین‌مان متناسب با اقلیم، فرهنگ، امکانات و شرایط دست به طراحی و اجرا می‌زدیم و هر شهر، روستا و یا عرصه زیستی با ویژگی‌های متناسب خود شکل می‌گرفت. خردمندان و مجریان امر هم بر اساس مصالح و منافع منطقه‌ای امور را مدیریت می‌نمودند.

این یکپارچگی و طراحی هنوز در بافت تاریخی برخی شهرها به حیات خود ادامه می‌دهد و نمونه ممتاز آن را می‌توان در یزد ملاحظه و مشاهده کرد.

چنین رویکردی علاوه بر تامین منافع ساکنان و ایجاد آسایش و آرامش، باعث تنوع و رنگارنگی در شهرها و روستاها می‌شد و از بوشهر تا نوشهر، از زابل تا بابل، و از نهبوند تا دماوند هر شهری شکل و شمایل خاص خود را که بر اساس اقلیم و فرهنگ و دیگر عوامل ایجاد شده بودند به خود می‌گرفت.

اما جهانی‌سازی جدا از مزایای خود، آسیب‌های متعدد اجتماعی و فرهنگی را برای جوامع مختلف به همراه داشته و باعث شده تنوع حاصل از نگاه بومی به سمت یکسان‌سازی حاصل از رویکرد جهانی تغییر کند.

امروز همه شهرهای کوچک و بزرگ سعی در الگوبرداری از کلان‌شهرهای شلوغ و



مشهور دارند و در حد وسع و توان، مقلد بی‌چون و چرای تمامی اتفاقات خوب و بد آن‌ها هستند. نمونه این موضوع را در احداث بی‌دلیل و بی‌منطق روگذرها و زیرگذرهای شهری می‌توان مشاهده کرد. چرا که شهرهای کوچک و متوسط در تلاشند با استفاده از عناصر و ساختارهای موجود در کلان‌شهرها، خود را به آنان شبیه سازند.

این موضوع را می‌توان به موارد مشابه بسط داد و رقابتی که در میان مدیران و روسای سازمان‌ها و ادارات شهرهای مختلف برای دیده شدن از طریق اقداماتی مشخص شکل گرفته را به روشنی مشاهده کرد. ثبت جهانی در حوزه میراث فرهنگی و طبیعی نیز یکی از این موارد است. امروز همه مدیران استانی و روسای ادارات میراث فرهنگی به دنبال معرفی آثار و محوطه‌های شاخص خود برای قرار گرفتن در فهرست میراث جهانی هستند و بی‌توجه به معایب و محاسن این اتفاق صرفاً برای حضور در این عرصه رقابت می‌کنند. اما جزئیات بسیاری را در این میان نمی‌بینند.

نگارنده در یادداشت دیگری در هنگام ثبت جهانی بافت تاریخی یزد که در روزنامه ایران منتشر شد به این موضوع اشاره کرده که اساساً ثبت جهانی برای ما تهدید است یا فرصت؟

«آیا پس از این واقعه همه مردم و مسئولان از این دستاورد استقبال می‌کنند و یکپارچه به تلاش برای صیانت و حراست از این میراث ارزشمند نیاکان خویش همت می‌گمارند یا اینکه پس از چندی سازمان‌ها و نهادهای شهری به بهانه عمران و توسعه شروع به تخریب خاموش حریم ثبت‌شده می‌کنند یا مالکان به دنبال راهکارهایی برای ساخت و ساز و تعرض به ضوابط و قوانین جدید برمی‌آیند. چنین مواردی چه در مورد آثار ثبت جهانی و چه در مورد سایر مکان‌های ارزشمند ما نمونه‌های فراوانی دارد. از برج

در مجموع علیرغم اینکه ثبت جهانی نقاط و نکات مثبت زیادی را دربرمی‌گیرد اما همچنان باید محتاطانه به آن نگرست و اسیر سیاست‌زدگی، دنباله‌روی کورکورانه و افتادن در ورطه جریان متداول نشد و با در نظر گرفتن مصالح و منافع بومی و منطقه‌ای عمل کرد.

جهان نمای اصفهان تا حریم منظری پاسارگاد، از حال و روز باغ‌های ایرانی تا خطرات بالقوه‌ای که شهر شوش را تهدید می‌کند.

مسلماً ثبت جهانی، به اعتبار و وجهه دنیای ایرانی کمک شایانی خواهد کرد، اما برقراری تعادل میان آگاهی ساکنان امروز ایران زمین، میراث داران تمدن پیشرو قنات و دستاوردهای عظیمی چون طاق و گنبد با اتفاقاتی در ابعاد ثبت جهانی، امری لازم و ضروری است. تمایز میان بافت فرسوده و محوطه‌های ارزشمند و دارای هویت تاریخی، الگوبرداری از شیوه و نگرش هوشمندانه پیشینیان به سکونت در زیست بوم ایرانی و توجه تمام و کمال به امر توسعه پایدار به جای شتاب‌زدگی و سطحی‌نگری در گستره زندگی شهری و روستایی است که حوادثی این‌چنینی را دارای ارزشی واقعی می‌کند. تا زمانی که شاهد تخریب بناهای ارزشمند فرهنگی، تاریخی در سنجند کرمانشاه، کاشان، ایلام، بوشهر، شیراز، سمنان، کرمان، خرم‌آباد و تهران باشیم و ساخت و سازهای بی‌هویت و بی‌ریشه جایگزین آنها شوند، به‌واقع آورده ما از ثبت جهانی و میراث بشری تنها نامی است که به اندوخته‌هایمان چیزی نیفزوده است.»

امروز نیز تغییری در این اتفاق به‌وجود نیامده و همچنان ما بدون آسیب‌شناسی و بدون ارزیابی و بررسی نقاط ضعف و قوت ثبت جهانی صرفاً درصدد طولانی نمودن این فهرستیم و چندان به اتفاقات پس از آن وقعی نمی‌نهییم.

حال به پرسش نخست بازگردیم. اینکه

آیا ثبت جهانی اتفاق مبارکی محسوب می‌شود یا نه. به نظر می‌رسد که این موضوع تابع عوامل متعددی است که با کنار هم قرار دادن آنها و بررسی کارشناسی و دقیق همه جوانب باید به آن پاسخ داد.

نخست آنکه ثبت، عرصه‌های متعددی را فرا می‌گیرد و از آثار فرهنگی ملموس منقول و غیرمنقول تا عرصه‌های زیستی و طبیعی و آثار ناملموس و حافظه جهانی را در برمی‌گیرد. گستره تاثیر، حوزه نفوذ و سطح بازخورد نیز هر کدام، بنا به شرایط می‌تواند کاملاً متفاوت و متمایز باشد. دوم اینکه لزوماً برای درمان یک درد، یک نسخه واحد اثر نمی‌کند.

ما باید نخست هدف ثبت جهانی را شناخته و ببینیم که آیا ثبت، می‌تواند به معرفی، حفاظت و تداوم عمر موثر اثر کمک کند یا نتیجه معکوس خواهد داشت. اتفاقی که در موارد مشابه تجربه شده و گاهی نسخه‌ای که برای یک موضوع درمان است، برای همان موضوع و در شرایطی دیگر در حکم سم عمل می‌کند و نه تنها به بهبود اوضاع و شرایط نمی‌انجامد بلکه در وضعیت موجود نیز ایجاد اختلال می‌نماید. در مجموع علیرغم اینکه ثبت جهانی نقاط و نکات مثبت زیادی را در برمی‌گیرد اما همچنان باید محتاطانه به آن نگرست و اسیر سیاست‌زدگی، دنباله‌روی کورکورانه و افتادن در ورطه جریان متداول نشد و با در نظر گرفتن مصالح و منافع بومی و منطقه‌ای عمل کرد.

استان کردستان یکی از پرظرفیت‌ترین مراکز زیستی غرب کشور است که با تنوع و تمایز در انواع و اشکال میراث فرهنگی، قابلیت تبدیل شدن به یک قطب گردشگری اجتماعی و طبیعی را دارد. کردستان چه در تنوع طبیعی با دارا بودن جنگل‌های بسیار مهمش به‌ویژه در مریوان، بانه و سقز؛ جاذبه‌های آبی‌ش نظیر دریاچه زریبار، آبشار چشمه بل، سراب قروه و رودخانه سقز، نیز غارها و زیستگاه‌های تاریخی؛ چه در تنوع فرهنگی و تاریخی با پشتوانه پیشینه مادی و پارتی که در زبان شیوای کردی و در بناها و بافت‌های تاریخی شهری و روستایی که در گوشه گوشه این منطقه دلبری می‌کنند نمایان گشته و چه در تنوع قومی و مذهبی که رنگارنگی پر جلوه‌ای را به ارمنان آورده، مرز غربی ایران را با خط‌چینی که کردستان عراق و ترکیه و سوریه را به هم پیوند می‌دهد ترسیم نموده است. فرهنگ به مثابه یک طیف گسترده در گستره جغرافیایی، مرزها را محو نموده و به شکلی خزنده از شهری به شهری، و از منطقه‌ای به منطقه دیگر با تغییرات جزئی در محدوده‌ای وسیع‌تر به تغییرات اساسی ختم می‌گردد.

فرهنگ غنی ایرانی در طول تاریخ توانسته فرهنگ‌های مهاجم را در خود هضم کرده، و آن‌ها را به شکلی کاملاً بومی دوباره بازنمایی کند. از فرهنگ هلنی در عصر سلوکی، تا فرهنگ مغول در دوران ایلخانی و تیموری چنین تجربه‌ای به‌خوبی قابل مطالعه و شواهد عینی آن قابل مشاهده است.

متأسفانه در دوران معاصر این توانایی جذب و تعدیل فرهنگی و بازتولید آن، در اکثر موارد جای خود را به تقلید و تکثیر بی‌برنامه و بی‌ضابطه داده است و امروز به‌جای تهور و جسارت، بایستی با ترس و احتیاط در برابر با فرهنگ بیگانه مواجه شویم. همچنین معمولاً قدرت بیرونی بدون قدرت دورنی نه تنها کارساز نیست که باعث متلاشی شدن از درون شده، برخلاف سنت پیشین نه تنها هضم و جذب را باعث نمی‌شود بلکه ارزش‌های درونی را نیز بلعیده و به ساختاری توخالی با پوسته‌ای زیبا ولی عاری از ارزش‌ها و آورده‌های مضاعف می‌گردد.

■ موسیقی ذاتی کردستان و سنندج است و قرار نیست با ثبت جهانی صرفاً به رنگ‌آمیزی ناشیانه سیمای شهری و عرضه مستقیم نشانه‌های موسیقی آن هم نه از نوع بومی بلکه عناصری بی ارتباط با آن پرداخته شود.





آن پرداخته شود. نظیر این اتفاقات مکررا دیده شده و برای مثال در شهرهای مجاور سنندج، انتخاب همدان به عنوان پایتخت گردشگری آسیا در سال ۲۰۱۸ و همچنین پیشنهاد کرمانشاه به عنوان شهر تنبور و اختلاف نظر در مورد این گزینه، آورده قابل توجهی برای آنها نداشته است. حال سوال مهمی که مطرح می‌شود این است که مزایای ثبت جهانی برای سنندج و کردستان چیست؟ آیا باید صرفاً به قرارگیری در فهرست یونسکو اکتفا شود و یا اینکه این اتفاق بایستی باعث ایجاد مسیری روشن در برنامه‌ریزی‌های کلان شده، سیاستهای فرهنگی دیگری برای بهره‌گیری از آن فراهم گردد. تا زمانی که ثبت جهانی برای ما، بالا بردن شمارگان و ارائه در جلسات استانی و ملی و نمایش ناشیانه آن باشد توشه‌ای از این سفره نصیب ما نخواهد گشت.

با ثبت جهانی سنندج در فهرست شهرهای خلاق یونسکو به عنوان شهر خلاق موسیقی، متاسفانه دوباره شاهد چنین اتفاقی هستیم. افزودن پوسته‌ای ظاهری که بهره شهر را از این اتفاق به حداقل رسانده و نه تنها حرکتی به سمت ارتقاء و بهره‌برداری مفید از این فرصت انجام نشده، بلکه با افزودن عناصر حجمی مانند پیانو یا هدفون و ظواهری از این دست صرفاً به حرکت‌های نمادین آن هم بی هیچ سنخیت و نزدیکی با فرهنگ بومی و منطقه‌ای اکتفا شده، در حالی که هدف از این معرفی درونی‌سازی موسیقی، ارتقاء آموزش و جلب توجه دیگران به این ظرفیت نهفته در منطقه است.

موسیقی ذاتی کردستان و سنندج است و قرار نیست با ثبت جهانی صرفاً به رنگ‌آمیزی ناشیانه سیمای شهری و عرضه مستقیم نشانه‌های موسیقی آن هم نه از نوع بومی بلکه عناصری بی ارتباط با

دایه نهوات



دایکان گه‌وره‌ترین ماموستایانی به‌ره‌ی داهاتوون

گه‌شهی فه‌ره‌ه‌نگی کوردی هه‌ر له‌ مائه‌وه‌ ده‌ست پی بکه‌ین